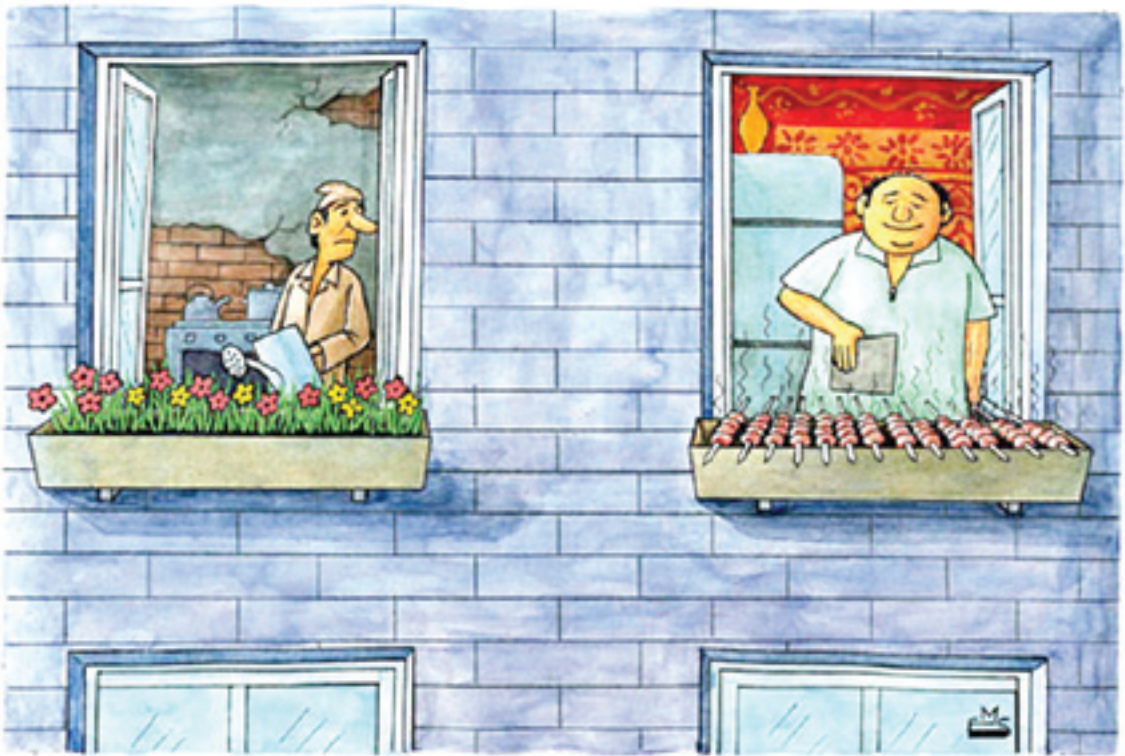




همسایه در فرهنگ ایرانی – اسلامی یک جای ساده نیست

چهار دیواری اختیاری تنهایمان می‌کند

■ مریم تبریزی

این روزها در شهرهای بزرگ اغلب خانه‌ها آپارتمانی است. واحدهای ۵۰- تا ۴۰ متری یا مجتمع و برج‌هایی بزرگ‌تر و هر واحد از چند طرف با همسایه‌های خود در ارتباط است. از یک طرف صدای جاروبرقی سمت چپ می‌آید و از طرف دیگر صدای اسلام و احوالپرسی گرم همسایه روبه‌رویی با مهمان‌های خود. گاهی هم که از نورگیر مشترک واحدها بوی غذاهای لذیذ به مشامان می‌رسد. خلاصه ساکنان یک آپارتمان حتی از اقوام هم‌به‌هم نزدیک‌ترند و فقط یک تیغه نازک آجری با هم فاصله دارند.

ولی همین همسایه‌ها وقتی در آسانسور یا راه پله تصادفی یکدیگر را ببینند به ندرت با هم آشنایی دارند و گاهی شک می‌کنند که آیا قلابی از همسایه‌هاست و به او سلام کنیم یا مهمان است و غیره؟ جای شکرش باقی است که در ساختمان‌ها هر چند وقت یک بار جلسه‌ای برای رفع مشکلات عمومی تشکیل می‌شود که برای آشنایی ساکنان با هم، بهانه خوبی است. اما آیا همین کفایت می‌کند؟ آیا اساساً اینگونه رفتارها هماهنگ با فرهنگ اسلامی و سبک زندگی اسلامی است؟ با نگاهی هر چند گذرا به متون اسلامی خلاف این مسائل را متوجه می‌شویم.

■ ■ ■

■ نیکویی به همسایه

در قرآن شریف، بعد از دعوت به توحید و احسان به پدر و مادر، احسان به همسایه مورد تأکید است.

سبک مراقبت

■ پنهان صدقی

با توجه به اینکه جامعه ایران جامعه‌ای در حال گذار از سنت به مدرنیته است به سختی می‌توان نسل‌های جدیدتر این جامعه را با هویت مشخص در مورد سنتی یا مدرن بودن تقسیم‌بندی کرد.

اینکه خانواده‌های سنتی را از نظر روانی سالم بدانیم یا خانواده‌های مدرن را، مسئله ما نیست، چرا که در حال حاضر اکثر افراد جامعه ایران به صورت نسبی در خانواده‌های مدرن و سنتی زندگی می‌کنند و به خصوص در جامعه شهری ایران نه خانواده کاملاً سنتی وجود دارد و نه خانواده کاملاً مدرن به معنای واقعی کلمه.

مسئله این است که امروز در بسیاری از خانواده‌های شهری تعارض بین سنت و مدرنیته وجود دارد و خود این امر می‌تواند موجب بروز افسردگی، اضطراب، عدم سلامت روان و اختلالات شخصیتی شود و در این بین زنان شهری بیشتر دستخوش این تعارضات قرار گرفته‌اند.

■ ■ ■

■ زنانی که تکلیفشان روشن است

اگر به سراغ زنان روستایی برویم هویت قابل تعریفی خواهیم یافت چون زن روستایی می‌داند که چه می‌خواهد و کجای این تقابل بین سنت و مدرنیته ایستاده است. او می‌تواند با این خودشناسی، سلامت روان، زندگی شخصی و راراضی کند چون خود ایده‌آل (آنچه می‌خواهد باشد) و خود واقعی (آنچه هست) او تفاوت زیادی ندارد. هرچه فاصله خود واقعی و خود ایده آل کمتر باشد فرد سلامت روان بهتری دارد. همچنین اگر به یک جامعه مدرن غربی مثل فرانسه یا بگذاریم خواهیم دید که زن فرانسوی خودانگاره مشخص در چارچوب قوانین و فرهنگ جامعه‌اش دارد. پس می‌توان گفت زن روستایی ایرانی چگونه زنی است و زن فرانسوی کیست.

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۸۴۷۱

د

مسلمان واقعی حتی اگر از همسایه‌ها آزار و اذیت هم ببیند به دستور اسلام صبر می‌کند. ادای حق همسایه و عدم آزار او آنقدر از نظر اسلام اهمیت دارد که وقتی یکی از مسلمانان نزد پیامبر(ص) از همسایه‌اش شکایت می‌کند، ایشان به مقدار دستور می‌دهند که بالای مسجد برود و با بلندترین آواز، فریاد بزند هر کس همسایه‌اش از آزار او در امان نباشد، ایمان نیاورده است

در ساختمان قابل حل است. گاهی توان مالی نداریم اما می‌توانیم از آبروی خود مایه بگذاریم و بنده خدایی را کمک کنیم.

■ تعامل و مدارا با همسایه

چه اشکالی دارد که در ایام عید و شادی سری هم به همسایه‌ها بزنیم؟ اگر هر کس به نوبه خودش در این راستا وظایفش را صحیح انجام دهد به هنگام نیاز رویش می‌شود که از همسایه خود کمک بگیرد. به هر حال غم و شادی در هر خانه‌ای وجود دارد و این اصل ثابت شده که انسان موجودی اجتماعی و مدنی الطبع است. پس حتماً او نیز به همسایه‌های خود نیاز پیدا خواهد کرد.

اصولاً مسلمان واقعی حتی اگر از همسایه‌ها آزار و اذیت هم ببیند به دستور اسلام صبر می‌کند. ادای حق همسایه و عدم آزار او آنقدر از نظر اسلام اهمیت دارد که وقتی یکی از مسلمانان نزد پیامبر(ص) از همسایه‌اش شکایت می‌کند، ایشان به مقدار دستور می‌دهند که بالای مسجد برود و با بلندترین آواز، فریاد بزند هر کس همسایه‌اش از آزار او در امان نباشد، ایمان نیاورده است. لازمه ادای حق همسایه شناخت نسبت به اوست، یعنی حداقل ارتباط را با هم برقرار کرده باشند. خیلی تأسفبار است که چند همسایه در کنار هم، فقط از آزار و اذیت‌های یکدیگر شکایت کنند و نتوانند ارتباط مثبتی با هم برقرار کنند.

■ چهار دیواری اختیاری نداریم

جمله چهار دیواری اختیاری، اصلاً در فرهنگ اسلامی ما جایب ندارد و برگرفته از دیدگاهی است که انسان را به تنهایی در نظر می‌گیرد و

این زن نه جرئت دارد که سنتی باشد و نه می‌خواهد که آن را کاملاً کنار بگذارد و مدرن شود. امروز بسیاری از مراجعین به روانشناسان و روانپزشکان، دچار اختلال شخصیت هستند و زنان سهم بیشتری در اختلال شخصیت مرزی دارند. اختلال شخصیت مرزی اختلالی است که فرد مبتلا در مرز روان‌رنجوری و روان‌پریشی قرار دارد و می‌تواند وارد مراحل حاد سایکوتیک و روان‌پریشی شود.

یکی از عوامل اصلی این اختلال نداشتن خودانگاره و هویت فردی است. یعنی فرد تعریفی از خود به عنوان یک شخص واحد ندارد و نمی‌داند کجای این جهان ایستاده است و به کجا می‌خواهد برود. به مراتب این عامل باعث می‌شود فرد در ایجاد روابط بین فردی و عاطفی به صورت بیمارگونه رفتار کند و برای طرف مقابل هم دردسرساز شود.

حتی در بین زنان روشنفکر هم این تعارض دیده می‌شود زیرا آنان هنوز تکلیف خود را با مدرنیته و سنت روشن نکرده‌اند. با به وجود آمدن ارتباطات امروزی و شبکه‌های ماهواره‌ای این تعارض بیشتر هم شده است. آنچه امروز از او می‌بینیم ژست روشنفکری است اما درونش به سنت‌های قدیمی جنگ می‌اندازد.

■ خروج از برزخ

زنان جامعه شهری ایرانی و به عبارت بهتر بسیاری از این زنان که بر سر درواهی قرار گرفته‌اند باید تعریف روشنی از هویت خود داشته باشند، البته نه به این معنا که خود را به تمامی به دامان الگوهای غربی ببندازند، بلکه باید خود را از این برزخ آسیب‌زا خارج کنند، چرا که عدم سلامت روان زنان در نهایت گریبان کل جامعه را می‌گیرد. به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و اجتماعی در حوزه زنان فکری اساسی در این زمینه بکنند، به جای سر دادن شعارهای رنگارنگ، برنامه‌ای متناسب با این مرحله گذار برای زنان تعریف کنند تا هویت این قشر مهم و محوری جامعه دستخوش آسیب نباشد، چرا که این سر درگمی و دودلی فریادی می‌کشد که‌ای وای تبعیض‌آی وای مردسالاری!

سبک انتظار



دلگویی‌های برای سراینده بهترین ترانه خوشبختی

برای آمدنش زندگی‌مان را درست کنیم

■ خدیجه همتیان*

صدای آرامش‌بخشتان در عالم جاری است و به قول زیادی‌فهم‌ها، صدایی جز صدای‌تان نیست. فقط کافی است نوزهای دیگر را نشنوی و حواست را بدهی به ترانه خوشبختی، منظوم صدای شماس‌ت. همان ترانه‌ای که کهنه نمی‌شود، سردرد نمی‌آورد، برای شنیدنش نیاز به پرداخت هز ینه نیست و برای رسیدن به کنسر تش انتظار بی‌معناست. می‌توان همیشه صندلی‌های جلور ا رزرو کرد. بدون نیاز به دوندگی، فقط کافی است خودت باشی و بدانی ذاتی که صدایش زیبا و آرامش‌بخش است، صدایت می‌کند؛ آن وقت در هیاهوی سرخوشی‌های بی‌خوشی مردم، در جنجال عصیانیت‌های خیابان و در کلاس بی‌عرفان، ترانه شما داد می‌زند که هست و آماده دل‌رایی است!

■ بازگوشی هم حدی دارد

به خودمان باشد همیشه بیخودی در کوچها پرسه می‌زنیم، آلوچه می‌خریم و با تمام سسگفرش‌های پیاده‌رو لی لی بازی می‌کنیم و بی‌خیال امتحان، فقط از مدرسه تا زمین خاکی می‌دویم و بعد خسته و کوفته به چهره خنده‌دار هم نگاه می‌کنیم و می‌خندیم ولی گاهی صدای مهربان شما، در میان صداهای زینت‌داده شده دیگر، به گوش دلمان می‌رسد که بازگوشی هم حدی دارد.

د

ای صاحب ترانه خوشبختی! انسی ارزانی‌مان کنید که پُرم‌ان کند از شما! گوشمان از بی‌کسی نترسد و دلمان نیز! انس با کلام و حجت شما، انس با همه جهان است؛ زیرا تمام خوبان عالم آرزوی انس با آنها و خدمتگزاری‌شان را دارند. دلمان برای گوش بیچاره‌مان می‌سوزد او هر صدایی را می‌شنود؛ ولی تا به حال هیچ صوتی از بهترین خلق شما نشنیده، دوست دارد که پاک بماند تا بتواند روزی صدای آرامش‌بخش دوست شما، راهنمای زمان ما را، بشنود و بارها و بارها از مرور کلماتی که از او شنیده، شادمان بماند و آن روز روز عید است، روز بازگشت به فطرت؛ روز جشن تولد من!

بچه! قرار نبود برای خودت کسی شوی؟! قرار نبود از مدرسه به من پرسی؟! چاله‌های به این بزرگی را ندیدی؟! قول نداده بودی! دست دوست‌هایت را بگیری که لیز نخورند؟! دودیدی و رفتی و صدای ترانه خوشبختی، در میان قهقهه مستانه غفلت هم شد!

■ خوش به حال آنان که شما گوششان شدید!

اما عیب ندارد ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است و خوردنی، این بار صدایم را بپشنو. به گوش فطرت که ترانه‌های مرا حفظ است، اعتماد کن و مطمئن باش که آن وقت آن قدر به تو نزدیک می‌شوم که دلتنگ نشوی، آماده‌ام برای مهربانی بیشتر! آماده نیستیم، اما مقدمات آمدنت را فراهم می‌کنم، فقط بیا.

پس از شنیدن این صدا، با خود می‌گویم: به وعده‌های شما! ایمان دارم و می‌دانم به هر که نزدیک شوید، با همه فرق می‌کند. گوش او، چشم او، زبان او، دست او و قلب او، می‌شود. گوش، چشم، زبان، دست و قلبی خدایی.

آری، شما گوششان می‌شوید. باور کردنی نیست! اما خود در حدیث قدسی‌تان فرمودید که یکی از هدیه‌های انجام‌دهنده مستحبات، این است که گوشش می‌شود: گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود. خوش به حال آنان که شما گوششان شدید! کاش می‌توانستم بفهمم که خدا گوش آنی که دوستش دارد می‌شود یعنی چه؟! حتماً فرکانس شنوایی او دیگر تنها به هر آن چه شما می‌خواهید حساس می‌شود و هر چه را دوست ندارید نمی‌شنود!

هر صدایی جز ترانه خوشبختی، الا رمی دارد و این گوش حساس شده به آلام خطر، تا متوجه خطر می‌شود به عصب حلزونی و دهلیزی دستور می‌دهد که هنگامه فعالیت شما به سر رسیده است. پس از

*عضو بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود